

در هـر گـروه و صـنـفـی، افرادی وجود دارند که به‌دلیل مهارت و عملکرد مطلوب دیگران را تحت‌تاثیر خود قرار داده و به الگوی آنها تبدیل شوند اما کمتر افرادی هستند که زیستی چندبعدی پیشه کنند و در همه ابعاد نیز در عالی‌ترین سطح ایفای نقش کنند. شهید چمران از معدود افرادی است که وادی علم، سیاست و مبارزه را باهم تجربه کرده‌ود همه حوزه‌هایی که به آن ورود کرده به عالی‌ترین سطح رسیده است. عاقبت چمران بعد از نیم‌قرن سفر کردن، آموختن و مبارزه نهایتاً به شهادت منجر می‌شود. مثنی زندگی چمران را می‌توان مدل مطلوبی از زندگی تأثیر گذار دانست؛ زندگی‌ای که امام خمینی(ره) آن را به‌عنوان الگوی زیست‌ن معرف‌ی کرده و می‌گوید: «چمران با عزت و عظمت و با تعهد به اسلام‌جان خودش را فدا کرد و در این دنیا شسرف را بیمه کرد و در آن دنیا هم رحمت خدا را بیمه کرد. ما و شما هم خواهیم رفت. مثل چمران بمیرید.» در سال‌روز شهادت دکتر مصطفی چمران به بررسی برخی ابعاد زندگی ایشان پرداخته ونگاه چمران به علم، مبارزه و سیاست را که بخش زیادی از زندگی خود را به آن اختصاص داد مورد پرداخت قرار می‌دهیم.

۹ علم برای چمران ابزار بود نه هدف

مدار ج و نتایجی که شهید چمران در مسیر علمی خود به دست آورده است همگی نشان از موفقیت وی در سطح عالی علم دارد. چمران با رتبه ۱۵ وارد دانشگاه تهران و برای تحصیلات تکمیلی بورسیه دانشگاه‌های آمریکا شده و دکتر ی را از دانشگاه بروکلر در رشته پالاسما گرفته و از آزمایشگاه‌های ناسا وِل دوت به همکاری می‌شود. وی اما علی‌رغم تمام امتیازات علمی که در فیزیک به دست آورده بود، موفقیت‌های فردی را هدف قرار نداده و در راه رسیدن به غایت نهایی مسیر دیگری را برمی‌گزیند؛ مسیری که به مبارزه مسلحانه ختم شده و چمران را برای

۵ گفت‌وگو

شهیدمصطفی چمران از شاخص ترین چهره‌های **نرگس چهر قانی**
تاریخ انقلاب اسلامی است که علی‌رغم سابقه عضویت در یک حزب سیاسی، می‌توان وی را از فراجناحی‌ترین شخصیت‌هایی دانست که در دولت جمهوری اسلامی مسئولیت رسمی داشتند.یکی دیگر از وجوه‌رجسته‌شخصیت‌شهیدچمران جایگاه علمی‌وی بود. او در یک جمله متعهدی بود که تخصصی انکارناپذیر داشت. به‌منظور بررسی ابعاد شخصیتی دکتر مصطفی چمران و اوکاوی مولفه‌هایی که این نابغه علمی را به یک شخصیت فرجانحی و متعهد به اسلام و ایران تبدیل کرد با مسعود رضایی، پژوهشگر تاریخ معاصر گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید.

۹ نقطه قوت چمران؛ بنیان‌های فکری مستحکم

در ابتدا از رضایی پرسیدیم از نظر این پژوهشگر تاریخ معاصر، چه عواملی باعث شد شخصیت شهیدمصطفی چمران، هم در بعد علمی و هم در بعد دینی تا این حد برجسته شود. سپس از وی خواستیم با توجه به فضای حاکم بر جامعه آن روز، نظرش را در خصوص موفقیت شهیدچمران در پایبندی به تعهد و تخصص به‌طور هم‌زمان شرح دهد. مسعود رضایی در پاسخ به این دو پرسش گفت: «این پیوند ایجادشده بین علم و دین در شخصیت شهیدچمران، به‌روحیات، تفکر و وضعیت خلاقانگی ایشان برمی‌گردد. ایشان در یک خانواده مسلمان و معتقد به‌دینا می‌آیند، بعد هم با همین زمینه‌ای که داشتند، فعالیت‌هایشان را در مسیر تفکرات اسلامی دنبال می‌کنند. در دانشگاه هم جزء طیف‌های مسلمان بودند. اتفاقاً زمانی که وارد داشنگاه فنی شدند، مهندس بازرگان به‌عنوان یک شخصیت مسلمان و استاد دانشگاه در آنجا حضور داشتند. بنابراین باید این را درنظر داشت که مجموعه این

امروز ۴۱ سال می‌شود که مصطفی چمران نشان داد می‌شود مرزبندی خود با جریان‌ها و سازمان‌های رادیکال را مشخص کرد. بسیاری از همین جریان‌ها زمانی که نتوانستند بین علم غربی و دین پیوند برقرار کنند، به علم پناه بردند. با این حال ۴۱ سال پیش، شخصیتی مانند چمران نشان داد که می‌شود علم و دین را پیوند زد و حتی به قله آن رسید. در همین راستا برای بررسی بیشتر شخصیت و عملکرد شهیدمصطفی چمران با محمد رحمانی، کارشناس مسائل تاریخی به گفت‌وگو پرداختیم که در ادامه می‌خوانید.

بسیاری از گروه‌ها و شخصیت‌های مبارز مانند سازمان مجاهدین خلق و... قبل و بعد از انقلاب مثنی‌شان تغییر می‌کند و حالت رادیکالی به خودشان می‌گیرند. اما شخصیت‌هایی مانند مصطفی چمران نه تنها رادیکال نمی‌شوند بلکه حتی به‌عنوان شخصیت علمی‌ودینی در قله قرار می‌گیرند. می‌توانیم این استنباط را داشته باشیم که چمران به‌علت پیوند علم و دین توانست مرز خودش را با این گروه‌ها مشخص بکند؟ قبل از اینکه وارد بحث شوم، توضیح کوتاهی می‌دهم. سازمان مجاهدین خلق اولین گروهی نبود که در تاریخ معاصر ایران به‌دنبال پیوند علم و دین رفت، پیش از این نیز جریاناتی از جمله نهضت آزادی به‌دنبال ایجاد پیوند میان این دو مفهوم بودند، به‌علاوه تعریف علم نیز تعریف مبهمی است، بعضی از افرادی که به این حیطه ورود می‌کنند، مقصودشان از علم مباحثی با مبدا غربی است، این افراد در تعریف خود فقهات و علوم شرقی را جزئی از علم نمی‌دانند. این قرائت از مفهوم علم، قرائتی مدرن است که در حوزه علوم اجتماعی می‌تواند غرب‌گرایانه مثل لیبرال‌یسم یا تکنزگرایانه مثل سوسیالیسم و قله‌هایش مثل مارکسیسم و کمونیسم باشد. این نوع نگاه به علم در فضای مبارزاتی پیش از انقلاب و در میان مبارزان نیز مطرح شد، در آن مقطع وقتی صحبت از علم مبارزه برای ساقط کردن حکومت می‌شد، هیچ مکتبی به جز مارکسیسم به ذهن مبارزان خطور نمی‌کرد، زیرا در آن زمان جریان اسلامی نداشتیم که به‌طور مستقل حکومتی را سرنگون کرده باشد و خود دست به تشکیل حکومت اسلامی زده باشد. البته پیش از انقلاب اسلامی ایران در الجزایر جریانی به نامی با استعمار فرانسه درگیر بودند اما این جریان نیز در مبارزات خود متناثر از اندیشه‌های چپ بود، علاوه‌بر مسائل اندیشه‌ای، اقتضات زمانی نیز در شد تفکر چپ میان مبارزان موثر بود، زیرا در آن برهه جنبش‌های چپ گرایانه در چین و کوبا که معتقد بودند انقلاب به‌معنای علمی‌اش فقط با استفاده از تفکر چپ به نتیجه می‌رسد، توانسته بودند در مسیر مبارزاتی خود موفق شوند. در چنین شرایطی سازمان مجاهدین خلق از دل جریان نهضت آزادی که جریانی با تفکر راست گرایانه است، متولد می‌شود. نهضت آزادی جزء اولین گروه‌هایی بود که به‌دنبال پیوند میان دین و قرائت‌های مدرن از علم رفت و مهندس بازرگان نیز در همین رابطه چهره شاخص این جریان بود، اعضای اولیه نهضت آزادی مانند مهندس بازرگان نگاهی محافظه کارانه با گرایش‌های لیبرالیسمی داشتند، وجود چنین نگاهی نیز معلول نزدیکی نسل اول نهضت به مصلحت است، زیرا نهضت آزادی ایران در الجزایر جریانی بود که جریانی با تفکر چپ به بعد جوانان نهضت آزادی به این نتیجه‌رسیدند که با نگاه و اندیشه نسل اول نمی‌شود به مبارزه ادامه داد، خاصه اینکه حکومت پهلوی نیز در مواجهه با مخالفان دست به برخورد‌های رادیکال می‌زد. درنتیجه این مواجهه حکومت، جوانان نهضت آزادی که از برخورد سیاسی در

آموختن مبارزه را‌هی مصر و سپس لبنان می‌کند. درنتیجه انتخاب این راه همسسر و فرزندان چمران وی را ترک کرده و به آمریکا بازمی‌گردند. چمران اما نه تنها موفقیت‌ها و مدارج علمی را کنار گذاشته بلکه در راه رسیدن به غایت خود حتی از خانواده نیز می‌گذرد. در شرایطی که سبل مهاجرت نخبگان علمی هر روز شدت می‌یابد، توجه و پرداختن به چنین الگویی که علم را ابزار فراقطلبی خود قرار نداده است می‌تواند بسیار درس آموز باشد؛ درسی که چمران با آموختن آن عاقبت خود را به شهادت منتهی کرد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پیامی به همایش بزرگداشت روز بسیج اساتید، بر مسئولیت و نقش استادان بسیجی در زمینه آمیختن پیشرفت و نوآوری علمی با اخلاق و تربیت‌نفسانی تاکید کردند. متن پیام رهبر انقلاب اسلامی که مصطفی رستمی، مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها آن را در همایش بزرگداشت بسیج اساتید قرائت کرده، به این شرح است: بسم الله الرحمن الرحیم والحمدلله والصله علی رسول الله و آله و آلہ اظهار به استادان بسیجی دانشگاه و اجتماع آنان در روز ملی بسیج اساتید، سلام و درود می‌فرستم و یاد داشتندم مجاهد، شهید مصطفی چمران و دیگر شهدای دانشگاه را عزیز و گرامی می‌دارم. سایه مبارک استاد متعهد و

سیاست

مکتب چمران و سلیمانی یعنی جمع علم و دین، تعهد و تخصص، عرفان و جهاد، مدارای اجتماعی و ایستادگی بر اصول

استاد سلیمانی‌ها

قرار داده بودند و با این توجیه که مارکسیسم علم مبارزه است هر روز بر ماهیت التقاطی اسلام می‌افزودند، چمران مدل دیگری از مبارزه چریکی را نشان داده؛ مدلی که با هدف حفظ اسلام سروشکل گرفت. چمران که بعد از فضای اختناق ایجادشده توسط رژیم پهلوی در سال ۴۲ برای آموختن مبارزات چریکی عازم مصر شده بود وقتی در مصر مشاهده کرد که جریان ناسیونالیسم عربی باعث تفرقه مسلمین می‌شود، به جمال عبدالناصر اعتراض کرد و ناصر ضمن پذیرش این اعتراض گفت که جریان ناسیونالیسم عربی آنقدر قوی است که نمی‌توان به‌راحتی با آن مقابله کرد. عبدالناصر به چمران و یارانش اجازه می‌دهد در مصر

متدین و مجاهد بر سر دانشگاه کشوریکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی و نوین دهنده سرافرازی و رستگاری آینده ملت ایران است. علم نافع و پیشرفته شما چه در موضوعات راهبردی و اساسی و چه در مسائل نقد و کاربردی، نیاز حتمی و فوری کشور است. فعالیت استاد بسیجی تنها تعلیم نیست، پیشرفت علمی، نوآوری در ماهیت دانش و زبان آن، آمیختن آموزش با اخلاق و تربیت‌نفسانی، همت گماشتن به دوگانه: فراگیری تازه‌های علمی، و اعتقاد و تولید علم، و وظایف دیگری از این قبیل نیز در زمره مسئولیت‌های استاد علم است، و شما بسیجیان عزیز در همه این زمینه‌ها می‌توانید پیشتاز و پیشران باشید. توفیقات شما را از خداوند متعال مسألت می‌کنم.

سیدعلی خامنه‌ای
۳۰ خرداد ۱۴۰۱

مسعود رضایی، پژوهشگر تاریخ معاصر در گفت‌وگو با «فره‌یختگان» مطرح کرد

روایت یک شخصیت متعهد، فراجناحی و متخصص

و پس از پیروزی انقلاب، از مسعود رضایی پرسیدیم چه چیزی باعث شد شهید چمران با وجود این همراهی طولانی با اعضای نهضت به‌خصوص مهندس بازرگان، اما در رفتارها و موضع‌گیری‌هایش یک شخصیت کاملاً فراجناحی و بی‌توجه به جناح‌های سیاسی را در عرصه عمومی به نمایش می‌گذارد. این پژوهشگر تاریخ در جواب این گونه توضیح داد: «شخصیت ذاتی انسان‌ها در نحوه رفتار آنان خیلی موثر است. منظورم از این صحبت آن است که برخی آدم‌ها ذاتاً آدم‌های تندرو و تندرویی هستند. اینها در هر مکتب و مرامی که باشند، بسیار افراطی و تندرو هستند. فرقی نمی‌کند مارکسیست باشند، دیندار باشند، بی‌دین باشند، لیبرال باشند و... هر چه که باشند، در مسیری که می‌روند ذاتاً افراطی و تندرو هستند و در نقطه مقابل، برخی از آدم‌ها ذاتاً آدم‌های معتدل و متفکری هستند. یعنی اینها در عین اینکه به یک حزب، گروه و جناحی در طول زندگی‌شان وابستگی سیاسی دارند، ذاتاً آدم‌های افراطی و تندرویی نیستند. دکتر چمران از همان دوران جوانی و در دانشگاه، همان‌طور که اشاره کردم با مهندس بازرگان آشنا و به‌نوعی مجذوب شخصیت ایشان شد. منظورم از مجذوب شدن شیفتگی بیش از حد نیست. به‌هر حال به شخصیت ایشان تمایل پیدا کرده و با ایشان همراه می‌شوند. در طول مسیرشان نیز به‌واسطه همین احترامی که برای شخصیت مهندس بازرگان قائل بود و همراهی‌ای که با ایشان داشت جذب نهضت آزادی می‌شود. اما دکتر چمران، شخصیتا انسان معتدلی بود. شخصیتا انسان افراطی و تندرویی نبود. بنابراین، در مواضع خود در نهضت آزادی هم حالت چشم‌پسته و تندرویی نداشت. چه قبل از انقلاب

محمد رحمانی، کارشناس مسائل تاریخی در گفت‌وگو با «فره‌یختگان»:

اعتدال واقعی گفتمان چمران بود

چمران هم دارای همین شاخصه فراجناحی بوده؟ ابتدا درباره شهید سلیمانی باید توضیح ده‌م ایشان در حلقه کرمان رشد کرده بود، بنابراین به مرحوم هاشمی‌رفسنجانی ارادت داشتند، اما بعدها که آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان رهبر انقلاب انتخاب می‌شوند، به ایشان هم گرایش ضاعضی پیدا می‌کنند اما تا پایان عمر مرحوم هاشمی همیشه با احترام جدی‌ای از ایشان یاد می‌کرد. معنی‌اش این نیست که از ایشان گذر کرده باشد، اما شهید سلیمانی یک پله بالاتر از مرحوم هاشمی یعنی آیت‌الله خامنه‌ای را پیدا کرده بود. بنابراین نگاه شهید سلیمانی می‌شود: بر مجموعه نگاه آیت‌الله خامنه‌ای و این معنی‌اش این نیست که نقطه مقابل مرحوم هاشمی قرار گرفتند. قضیه مصطفی چمران هم در این چهارچوب قابل بررسی است و اتفاقاً مثال خوبی زدید. درواقع اگر شما یادداشت‌های چمران و کتاب‌های مهندس بازرگان را بخوانید، در خیلی از مواضع نقاط اشتراکی داشتند. شما می‌دانید که چمران در لیست انتخاباتی نهضت آزادی بود و از همین طریق در مجلس اول هم وارد شد. در همین برهه زمانی، در جبهه مقابل، به علت همان اختلافاتی که بین نزدیکان باسر عرفات و امام موسی‌صدر وجود داشت و همین اختلافات به ایران هم کشیده بود، شهید چمران را خیلی قدمی نمی‌کردند، حتی نهضت را نقد می‌کردند که چرا او را در لیست گذاشتید. از این مسائل که عبور کنیم، مساله اصلی این بود که چمران نماینده مجلس تهران و وابسته به نهضت آزادی بود، حتی عضو دولت موقت هم بود اما خودش را به اینها محدود نکرد. یعنی یک پیوند اصلی‌تر و بالاتر با امامت و زعامت امام خمینی (ره) برقرار کرد. این نکته‌ای است که نباید مورد غفلت قرار بگیرد. یعنی او هیچ‌وقت آن پیوند قبلی‌اش را جدا نکرد، به این معنی که هر روزه ولایت قرار بگیرد. در تاریخ نهضت آزادی داریم کسانی که از پیوند بالاتر با ولایت را پاره کردند، مانند عباس شیبانی اما چمران همواره این پیوند را حفظ کرد. بر همین اساس، می‌توان از چمران به‌عنوان یک چهره فراجناحی و حتی پرچم وحدت یاد کرد، به‌عنوان یک شهید ملی که هم گرایش به مباحث ملی داشته، هم گرایش پررنگ اسلامی داشته است. خیلی‌ها می‌خواهند به بهانه‌ها و بحث‌های مختلف این دورا از هم تفکیک و تفرقه ملی ایجاد کنند، اما شخصیت چمران نشان‌دهنده این است که یک فرد هم می‌تواند گرایش ملی داشته باشد، هم گرایش جهان اسلامی، هم به اسلام‌فاهتی امام خمینی (ره) یک نگاه مثبت اینچنینی داشته باشد.

ما در این گفت‌وگو به بعد علمی شهید چمران خیلی اشاره‌ای نداشتیم. در پایان به این بررد ازیم کسی که توانست علم را با دین پیوند بزند، در میدان عمل هم می‌تواند به بهترین نحو از علم و دین استفاده کند؟ این مساله درباره شخصیت شهید چمران چطور است؟ یک جمله خیلی پرتکرار وجود دارد که از مصطفی چمران نقل می‌شود، احتمالاً شما هم شنیده باشید؛ می‌گویند تقوا از تخصص لازم‌تر است، آن را می‌پذیرم اما می‌گویم آن کس که تخصص ندارد و کاری را می‌پذیرد، بی‌تقواست. این جمله ماحصل نگاهی

نظرات خود را بیان کنند. چمران در ادامه برای حفظ اسلام و حمایت از شیعیان مبارزانش را در لبنان ادامه داده و نهایتاً عازم ایران شده و در جنگ به شهادت می‌رسد؛ شهادتی که امام در وصف آن می‌گوید: «چمران با تعهد به اسلام جان خودش را فدا کرد.»

۹ سیاست‌ورزی معتدل

بسیاری از افراد و جناح‌های سیاسی برای اینکه بدنه مردمی را برای حمایت از خود ترغیب کنند، ادعای اعتدال را به خود نسبت می‌دهند اما این ادعا زمانی که در سنجه رفتار آنها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد عیار ناچیز خود را نشان می‌دهد. در این میان چمران را می‌توان به معنای واقعی یک الگوی معتادل سیاسی دانست. در دورانی که برخی مدعیان کنونی اعتدال خواستار انحلال ارتش به‌بهانه وجود تعدادی وابسته به پهلوی در این نهاد بودند چمران محکم پای آن ایستاد و در تریبون مجلس اعتماد خود به ارتش را این گونه اعلام کرد که حاضر است پشت سر برخی از ارتشیان نماز بخواند. وجود نیروهای ارتشمندی همچون میاد شیرازی و منصور ستاری واقعیت حرف چمران را بهتر مشخص می‌کند. این روحیه معتادل چمران را می‌توان در فعالیت‌های سیاسی‌اش نیز مشاهده کرد. چمران که با برخی چهره‌های نهضت آزادی پایه‌گذار انجمن‌های اسلامی در اروپا بود، قبیله‌گرایانه در این جریان حل‌نشد و بعد از طی دوران مبارزه در لبنان به ایران آمده و در آموزش سیاسی نقش ایفا کرد و به‌عنوان وزیر دفاع امام خمینی (ره) نیز انتخاب شد. تلاش برای تقویت اسلام مهم‌ترین عاملی است که باعث می‌شد چمران بتواند با گروه‌های سیاسی مختلف کار کند و با معیار قراردادن اسلام از گروه‌بندی‌های جناحی و موضع‌گیری‌های رادیکال فاصله بگیرد.